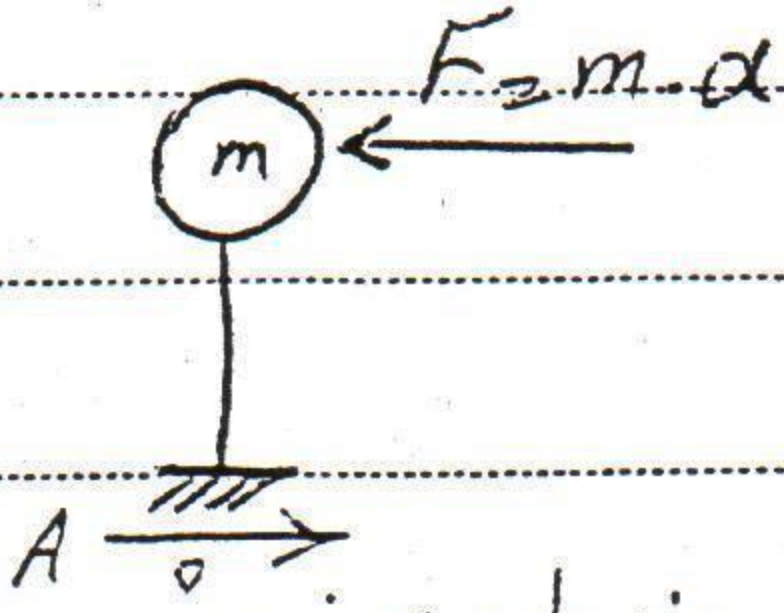


subject:

Year. 84 Month. 8 Date. 1 / 1

تحلیل دینامیکی سازه ها

روش پایداری و حتماتی



A: شتاب جنبشی زمین

که در طراحی آیین نامه در صورت شتاب جنبشی طرح می شود

شتاب ای در سطح طبقه $a = B \times A$

B: ضریب بازتاب

B ضریب بازتاب به 1 شرایط ارتعاشی خود را دارد که شرایط ارتعاشی خود را در صورت زمان ضریب تغییرات
 2 شرایط زمین زیر سازه

$$V = C \times W$$

$$= \frac{AB I}{R} \times m g$$

نیروی دایره ای در لرزه از جنبش انبری هستند

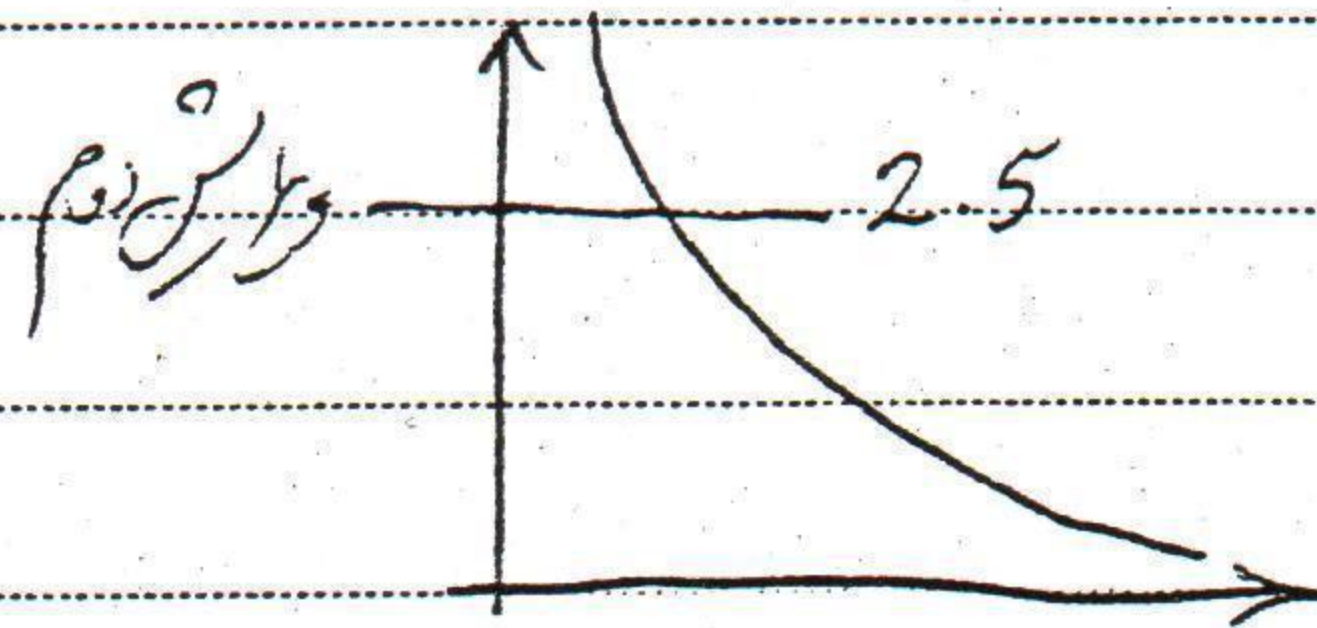
$$= \underbrace{(B \times A \times m)}_{\text{نیروی اصلی}} \times \left(\frac{I}{R}\right) \times g$$

که شتاب طیفی

$$S_a = B \times A$$

شتاب طیفی

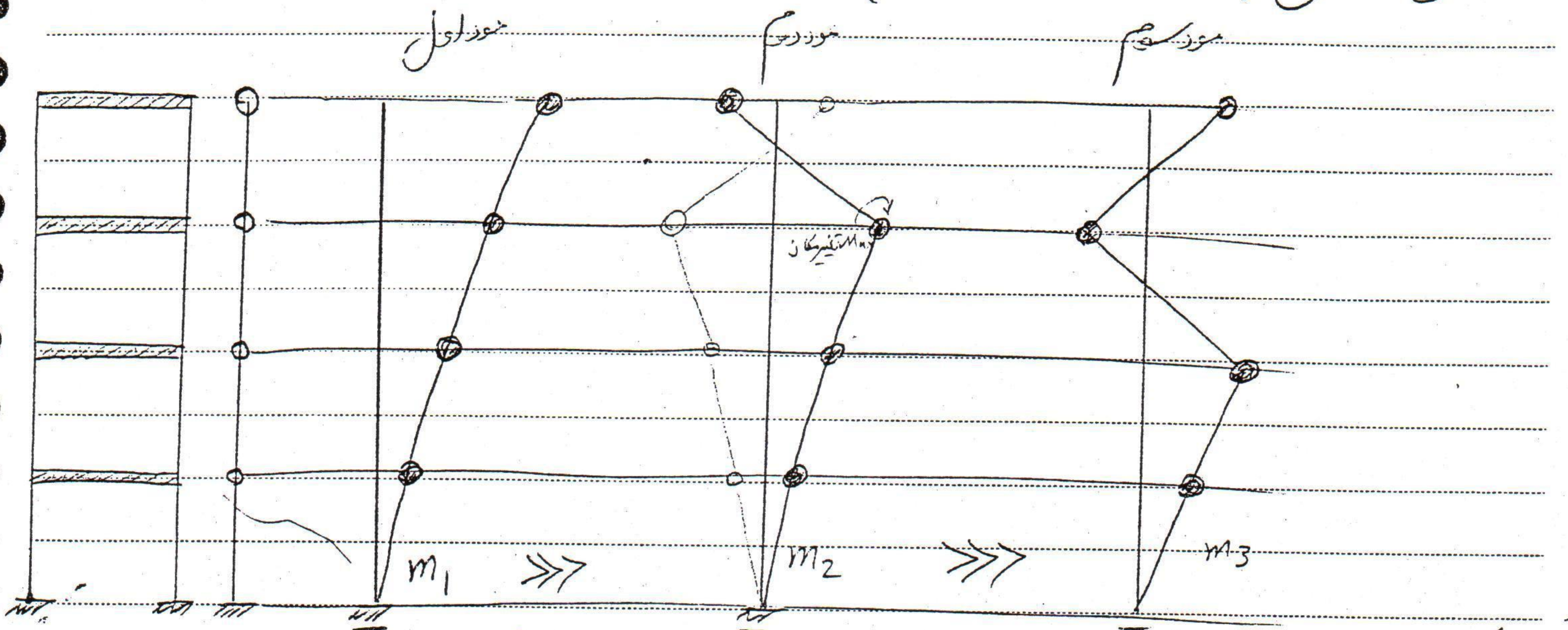
شتابی که لزوم طیف در طبقات ایجاد می شود



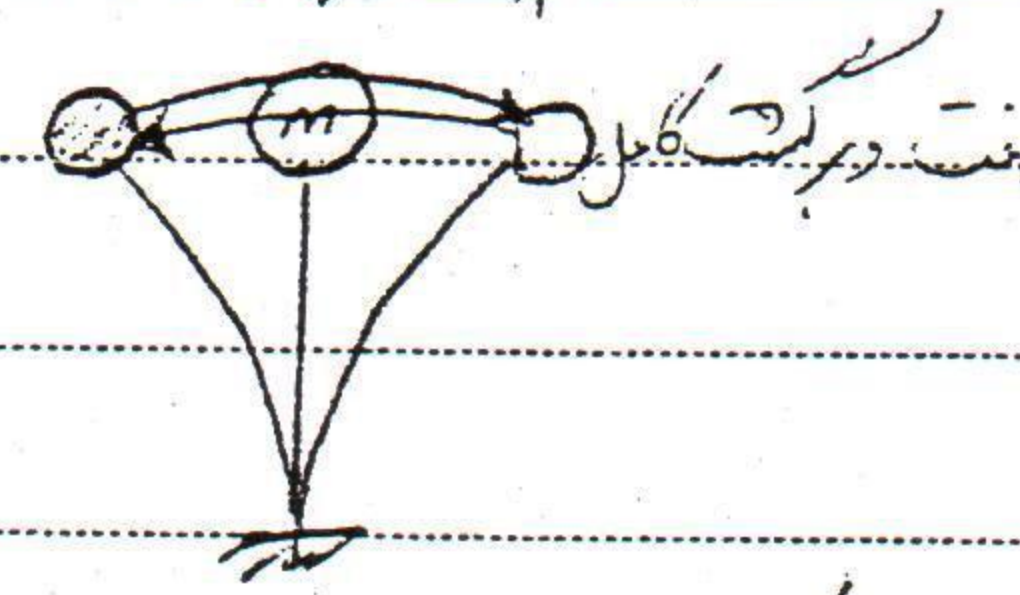
Subject:

Year. Month. Date. ()

مودهای ارتعاشی (Vibration Modes)



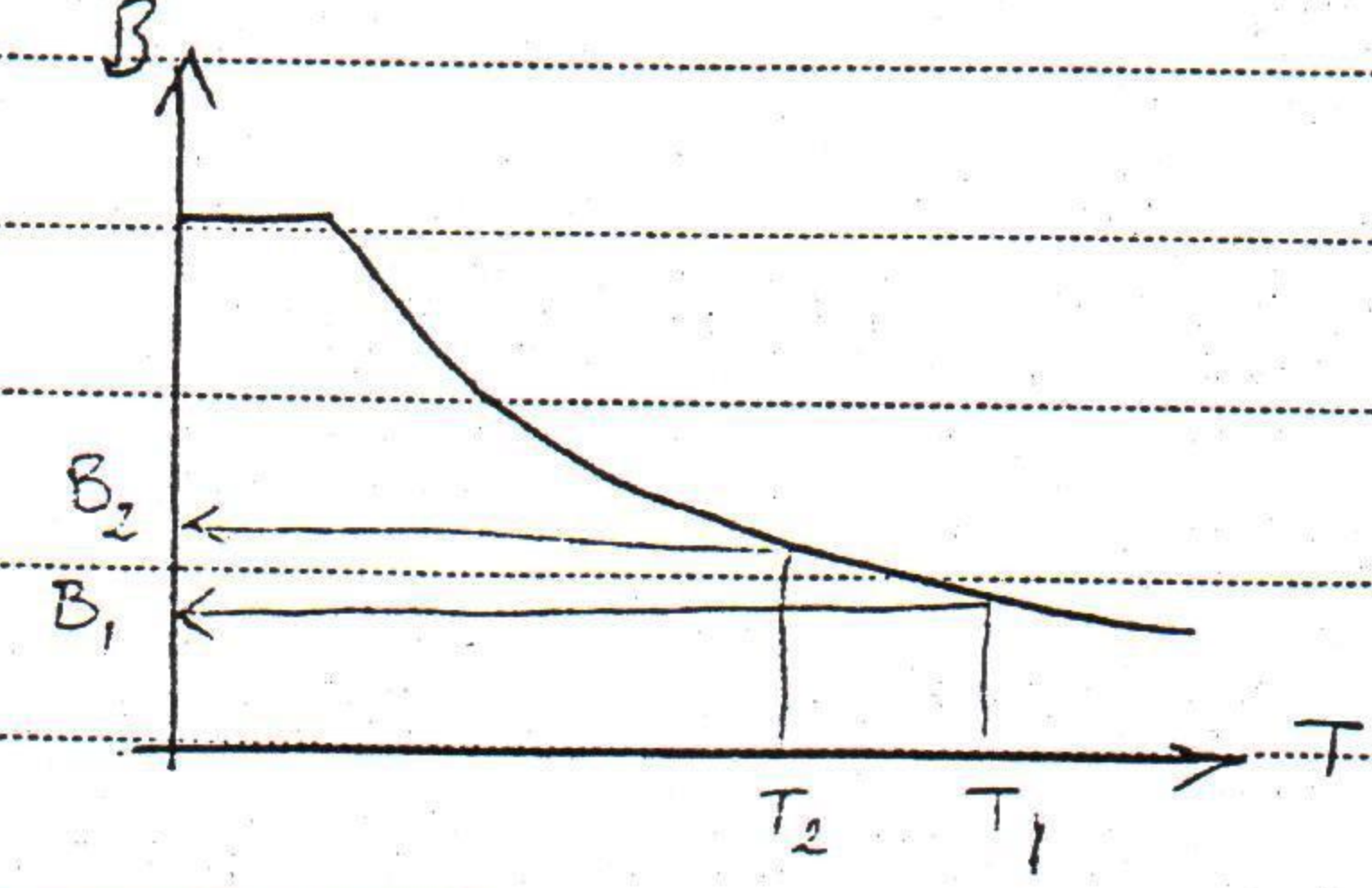
در حالت کلی استاتیکی از زمان تناوب به کمک پارامتری روابط تجربی تعیین می شود
 مدت زمان مدرفت در نسبت کامل در ارتعاش آزاد میسر است
 $S_{a1} > S_{a2} > S_{a3}$



در حالت کلی استاتیکی از زمان تناوب به کمک پارامتری روابط تجربی تعیین می شود

ساختن یک زمان تناوب ندادن از طبق اشکال مودها فوق به جرمی که بالاترین تغییر مکان را دارد باید واحد ارتعاشی و زمان رفت
 در نسبت کامل را برابر آن حساب کنیم

تفاوت زمان تناوب مود اول با مود دوم متفاوت است مود اول مود است که Max زمان تناوب را دارد هر چه در شکل
 مود ساده تر باشد و از پیچیدگی کمتری برخوردار باشد و بود آن بالاتر است



$$\begin{cases} S_{a1} = B_1 A \\ S_{a2} = B_2 A \\ S_{a3} = B_3 A \end{cases} \rightarrow \begin{cases} S_{a1} \cdot m_1 = F_1 \\ S_{a2} \cdot m_2 = F_2 \\ S_{a3} \cdot m_3 = F_3 \end{cases}$$

در حالت کلی استاتیکی از زمان تناوب به کمک پارامتری روابط تجربی تعیین می شود

فرایب اصلاح سطح زیر طراحی
 $(S_a \cdot m) \cdot \left(\frac{I}{R} \cdot g\right)$

بسی از جرم کل سازه است که با هم بود آن مود هم خانواده می شود

$$T_i = 2\pi \sqrt{\frac{m_i}{k_i}}$$

Subject: _____
Year. _____ Month. _____ Date. _____ ()

در نهایت بدانند نیز می رسم که زمان ارتعاش در هر خود شتاب طیفی متقل و حجم خودی متقلی وجود دارد که از حاصل ضرب آنرا $(S_d * m_1)$ نیز می حاصل اند از ارتعاش در آن مورد قابل حصول است.

در نهایت از ارتعاش در m مورد مختلف به m نیروی جداگانه می رسم، این نیروها با استفاده از روشهای حینطوق و آماری این نامها را با یکدیگر ترکیب می شوند و در نهایت نیروی نهایی طرح که حکیده ارتعاش در m مورد مختلف است بدست می آید.

نکته: هر چه زمان تناوب خود بیشتر باشد، هم شتاب کمتر می آید و در نتیجه نیروی نهایی وارد بر اعضا بیشتر خواهد بود که اصطلاحاً گفته می شود سطح انرژی این مورد پایین تر بوده و تحرک کمتری از آن بالاتر است.
از سوی دیگر هر چه زمان تناوب یک مورد بیشتر باشد هم مؤثر آن خود بیشتر است و به عبارتی زمان ارتعاش در آن مورد در حد بیشتری از حجم کل ساختمان تحرک بیشتری خواهد داشت.

مورد های بالاتری که زمان تناوب آنرا کوچک است، در حد بسیار کمی از حجم کل ساختمان را تحرک می کنند و لذا انرژی حاصل از ارتعاش در آنرا ناچیزند و قابل صرف نظر کردن است. چنین مورد هایی اصطلاحاً (مورد های هوزم) نامیده می شوند. آیین نامه نیز اجازه می دهد در تحلیل خنثی یکی ساختمان در تحلیل دینامیکی از ارتعاش در این مورد ها در نیروی حاصل از آنرا صرف نظر شود.

روش تحلیل دینامیکی طیفی:

زمانیکه قصد داریم سازه ای را تحلیل دینامیکی طیفی کنیم بوال کلی کار بدین صورت است که تعدادی از مورد های ارتعاشی سازه را به بر نامه معرفی می کنیم یعنی آنکه بر نامه می گوئیم این سازه را با چند مورد تحلیل کنیم تا به دستور العمل آیین نامه برسیم (از سوی دیگر طیف طرح استاندارد آیین نامه را به بر نامه معرفی می کنیم).

زمانیکه دستور تحلیل می دهیم بر نامه با استفاده از یک محاسبه خاص (معادله مشخصه فرکانسی) شکل حرکتی از مورد های درخواستی و فرکانس آنها را تعیین می کند. از روی فرکانس بر پود ارتعاش آن خود معلوم می شود محل بر نامه بطور خودکار با در دست داشتن بر پود هر خود و شکل طیف طراحی که کاربر معرفی کرده است بازنایب آن خود را حساب می کند (B).

از سوی دیگر با در دست داشتن زمان تناوب هر خود جرم مؤثر آن خود نیز توسط بر نامه محاسبه می شود و با معلوم بودن ضریب بازنایب هر خود، شتاب طیفی آن خود حساب می شود و در جرم مؤثر آن خود ضرب می شود و در نهایت نیروی حاصل از ارتعاش در آن خود بدست خواهد آمد.

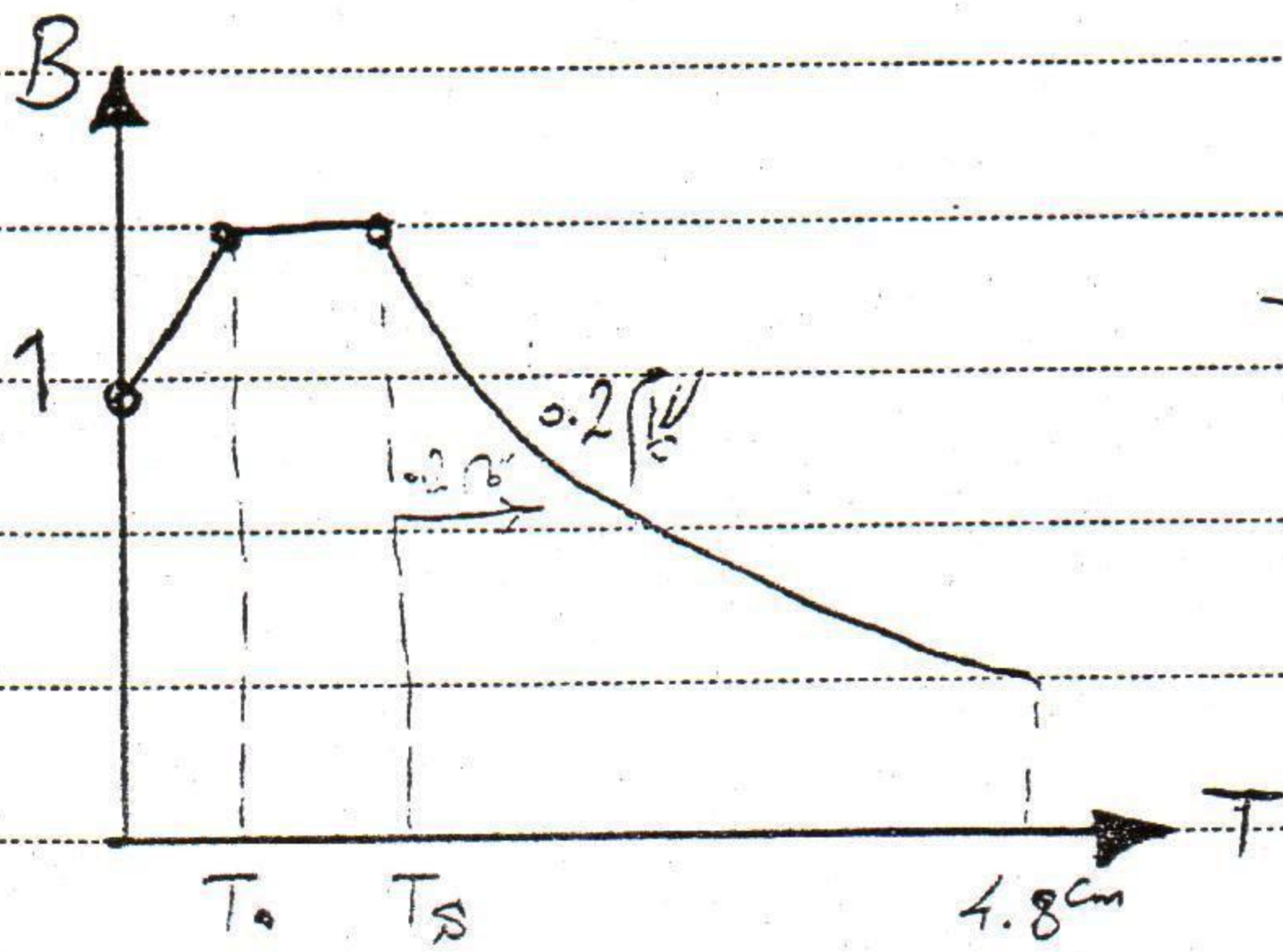
در ادامه بر نامه در هر بارها را با روش ترکیب آیین نامه ای که کاربر مشخص می کند، نیروی مورد های مختلف را ترکیب می کند و با ضریب معیاری که کاربر تعریف می کند، سطح نیروی آن طراحی را با آن مشخص می کند (I و R و Q).

* این نیروها را با استفاده از روش ترکیب آیین نامه (نیز الیزه شده) هم می توان در طراحی اعضا و المانهاست.

زمانیکه قصد تحلیل دینامیکی مدلی را داشته باشیم کلیات کار مانند سابق است، تفاوت بین این حالت و مباحث گذشته در این است که دیگر در قسمت Static load case زلزله‌ای تعریف نمی‌کنیم. زیرا از زلزله‌های آن قسمت مباحث استاتیکی دارند پس لازم است برای تعریف زلزله به فرم دینامیکی از دستورات دیگری که در منوی Define داریم استفاده کنیم که این دستورات شرح زیر است:

Response Spectrum Functions

در این قسمت لازم است منحنی طیف استاندارد دینامیک را به فرم نامیده معرفی کنیم، عبارتی طیف B بر حسب T را به فرم معرفی کنیم تا فرم نامیده قابل استفاده بر اساس هر مورد باشد. هر مورد با زمان آنرا بر آورد کند.



با Add user spectrum طیفمان را تعریف کنیم و الباقی اساسی طیفها است. بنا بر این نامیده می‌باشد که با آنجا کار نداریم.

Function Name : SOIL 3/4

T	B
Period	Acceleration
0	1
$T_0 = 0.15$	2.75
$T_s = 0.7$	2.75
0.8	2.51
1.0	2.168
1.2	1.92
⋮	⋮
4.8	

اینجا $B \times A$ برای دهیم یا در جدول که در کارهای خودمان اینجا B خالص برای دهیم.

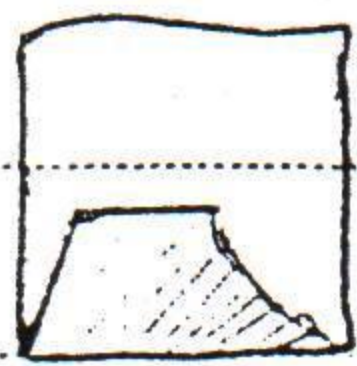
باز هم لازم است این فرم

$$B = (1 + S) \left(\frac{T_s}{T} \right)^{2/3}$$

$T \gg T_s$

~~Response Spectrum Functions~~

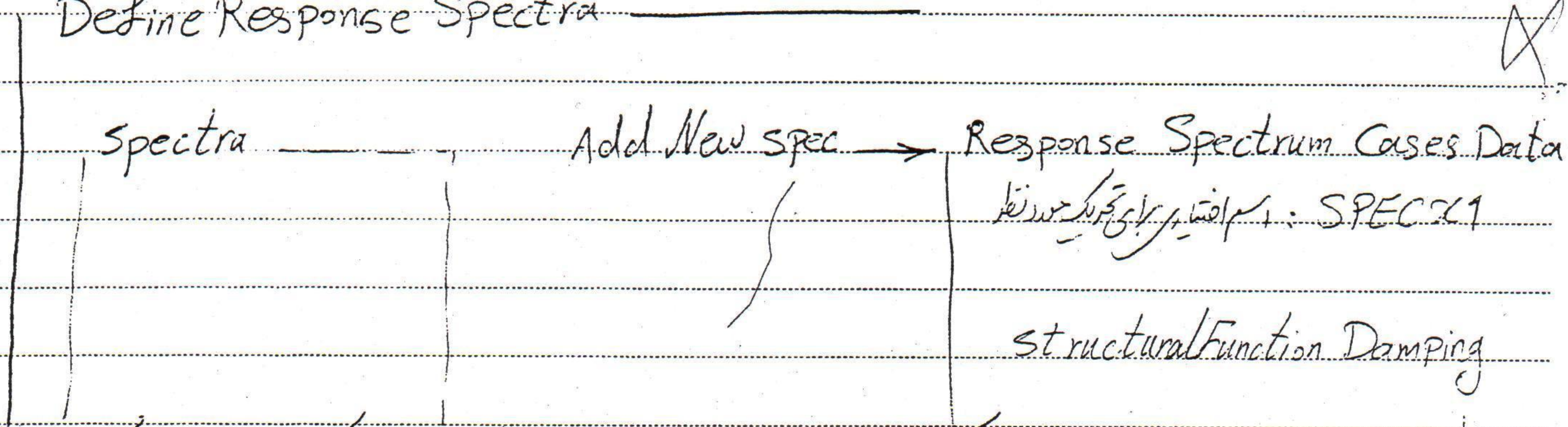
~~Handwritten signature or mark~~



Response Spectrum Cases

در این قسمت باستی تحریکهای لرزه‌ای مورد نظرمان را به برنامه معرفی کنیم. عبارتی در مدل تحلیلی دینامیکی باستی از این قسمت بارگذاری دینامیکی سازه انجام شود.

Define Response Spectra



Damping به معنای میرایی است که بنا به تعریف میرایی عبارتست از طبقه عواملی که موجب می‌شوند دید ارتعاش به مرور کاهش پیدا کند و در نهایت متوقف گردد.

اگر در یک سیستم مرتعش شده میرایی نداشته باشیم ارتعاش ایجاد شده تا ابد ادامه خواهد داشت (چنانچه با مدل سازه عواملی نظیر اصطکاک بین اجزای سازه و اتصالات، ترک خوردگی اعضا، ورود سازه به حوزه عملکرد غیر انجمنی در تکیه مفاصلی و ... همه عواملی هستند که در میرا نمودن یک ارتعاش دخالت دارند).

لکن میرایی واقعی یک سازه بطور عملی کاری دشوار است به همین دلیل این نامه به منظور انجام تحلیلی دینامیکی عدد ثابت ζ در سده عنوان نسبت میرایی کلیه سازه‌ها معرفی می‌کند.

میرایی موجود در سازه (درب که در فیلد پورتال یا تیرها در رفت و برگشت می‌کند)

تذکره: در برنامه عبارت Damping به مفهوم همان "نسبت میرایی" است.

$$\text{Damping Ratio } \zeta = \frac{C}{C_{cr}}$$

میرایی که در سیستم اتفاق می‌افتد می‌تواند سیستم ارتعاشی را کند کند میرایی بحرانی سازه (درب در فیلد پورتال یا تیرها در رفت و برگشت می‌کند)

در واقعیت میرایی سازه‌ها بین 2 تا 10٪ است } فولاد 2-5٪ و بتن 5-10٪ ولی در محاسبات مهندسی معمولا 5٪ برای بتن و 2٪ برای فولاد در آنجا به‌کار می‌آید. فولاد در آنجا به‌کار می‌آید پس میرایی کمتری دارد.

$$m\ddot{u} + C\dot{u} + Ku = F(t)$$

در این معادله: m جرم، \ddot{u} شتاب، C ضریب میرایی، K سفتی، u جابجایی، $F(t)$ بار تغییر مکان.
 میرایی سیستم: C
 میرایی بحرانی: C_{cr}
 ضریب میرایی: ζ
 میرایی سازه: ζ

در تحلیل دینامیکی همسایه بازنوعل هر دو در حل می‌شوند.

Subject:

Year. Month. Date. ()

$K U = F(t)$

$K \approx F$

در تحلیل استاتیکی معادل با بارهای گران باغزه اعضا (K) بدست می آید و باید با F وارد ترسانه آنرا بالانس کنیم ولی عمالاتی و انزومی به ما کمک می کنند تا غزه اعضا مثل واقعیت کمتر در آید.

Damping = 0.05

Modal Combination:

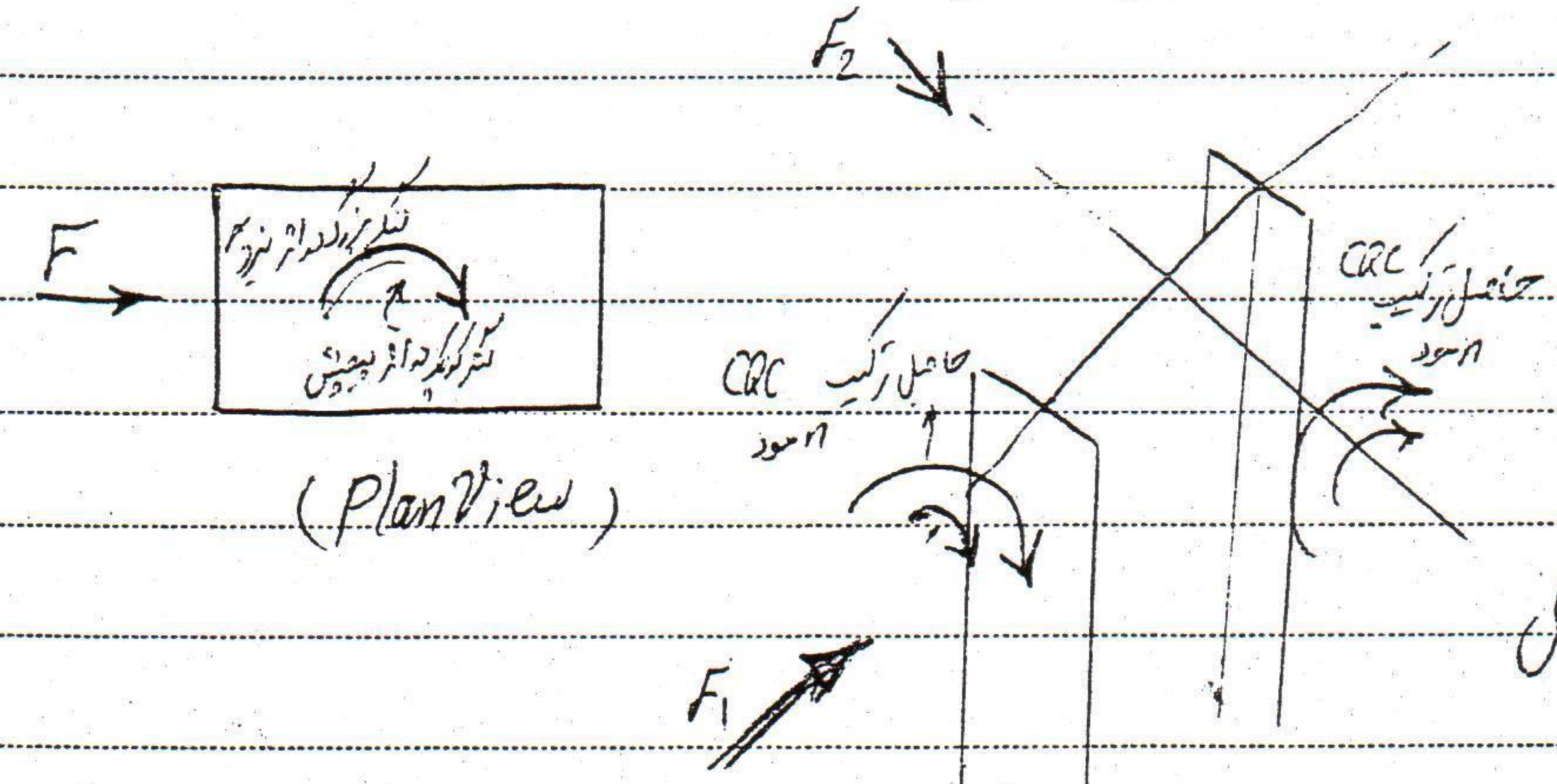
هما نظیر که گفته بودیم در تک آنالیز طیفی لازم است پاسخ تک تک مودها بررسی شود و نتایج حاصل از این پاسخها با روشهای آماری آکسین نامه ای با یکدیگر ترکیب شوند.

در این قسمت از برنامه روش ترکیب پاسخ مودها را به برنامه معرفی می کنیم که از بین روشها معرفی شده در برنامه فقط به روشهای SRSS و CQC در آیین نامه ما اشاره شده است. بین این دو روش ما همواره CQC را انتخاب می کنیم چرا که روش کاملی برای ترکیب اثر مودها بوده و محدودیتی ندارد اما روش SRSS یک روش ساده سازی شده است که محدودیتها و نمی توان همواره از آن استفاده کرد.

(SRSS بر روی کارهای دستی می خورد چون CQC فرمول سنگینی دارد به نرم افزار محاسبه می کنند) (ABS و GMC برای کارهای تحلیلی است)

Directional Combination: (ترکیب جهتی)

SRSS در اینجایی که نمی خواهیم مثل بالا مودها را با هم جمع بکنیم چون بار و روش CQC، n مود جمع شده و بر این دو نیز در جهت و خلاف جهت را می خواهیم در اینجا بگیریم.



$F_{total} = \sqrt{F_1^2 + F_2^2}$

(بگیریم شالات علیی روز: 0.7 = ضریب -> ABS روش) (توجه: سوال برنامه دو حال حاضر هم SRSS است)

اگر تحریک دو جهته (مثل 1003) نداشته باشیم اصلاً این قسمت توسط ETABS استفاده نمی شود.

Function: انتیاب طرف مورد نظر (منحنی خار مورد نظر)

Scale factor: بالانس کردن یا نرمالیزه کردن حرکت مورد نظر (بالانس سطح نیرو وارد شده)

قالب آماده
 $\frac{A(B)I}{R} * g$

واحد $kg \cdot m^{-2}$ \rightarrow $9.80665 \frac{m}{s^2}$

ضریب تبدیل برش پایه
دنیا منگی به استاتیک
 $(\frac{AI}{R}) * g$
ضریب مقیاس پایه

* می توانستیم قبلاً $A=0.55$ را در خانه B در بچیزه
تایید کنیم و اینها دیگر در نظر نگیریم

همیشه برش پایه:

مطابق با ضوابط این نامه - ۱۸ در بحث تحلیل های دینامیکی لازم است برش های پایه دینامیکی برش های حاصل از آن مورد اصلاح قرار گیرند
بدین منظور ضوابط زیر مقرر می شود:

90٪ مورد الف) $V_{Dyn} < V_{St}$ در این حالت لازم است مقادیر برش پایه و یا عبارتی نیرو طراحی
برش پایه استاتیکی با ضریب $1 > \frac{0.9(V_{St})}{V_{Dyn}}$ اصلاح شوند
برش پایه دینامیکی
بر اساس دوم: 50٪ تخفیف می داد

و اگر ساختمان نامنظم باشد نیز طراحی برش پایه با ضریب

اصلاح می کنیم $\frac{V_{St}}{V_{Dyn}}$

ب) $V_{Dyn} > V_{St}$ در این حالت لازم است برش پایه در سطح نیرو طراحی مرا با ضریب

کمی کمتر از 1 است اصلاح کنیم $\frac{V_{St}}{V_{Dyn}}$

یعنی برش پایه ما V_{St} کمی است در استاتیکی، استاتیکی تو فرعی می کنیم در دینامیکی، دینامیکی، چون برش پایه
دینامیکی به برات کمتر از استاتیکی در می آید زیرا Scale factor، V_{Dyn} و بالایی بریم

* V_{Dyn} را در ابتدا اندازیم

مبادی ابتدای کار ضریب تبدیل بر چهار پایه را نداریم چرا که بدست آوردن این ضریب تبدیل مستلزم در دست داشتن برش پایه دنیا مکی امتداد مورد نظر است.

اولین بار زمان تعریف تحریر در این هفت فقط ضریب مقیاس پایه $(\frac{AI}{R} \times g)$ را معرفی می کنیم. بکار برده شده تحلیل بر پایه برش مکی هر امتداد یا بعبارتی هر تحریر را اگر درش می کند باید بدست آوردن این برش پایه دنیا مکی و بر اساس روابط تبدیل برشهای پایه میتوان ضریب مقیاس برای رابدهست آورد (scale factor)

* زمانیکه ضریب تبدیل بر چهار پایه بدست آمد از آن ضریب مقیاس پایه ضرب می کنیم تا ضریب مقیاس برای رسیدن به آنم فصل بر نامه را تکمیل می کنیم. هفت معرفی تحریر با این کردیم و بجای عددی که قبلا داده بودیم ضریب مقیاس برای را تعریف می کنیم.

Eccentricity ← دروزنر بالار 8.27 روشن شده و در حد بخش تصادفی را در اینجا می توانیم بدیم $spec \alpha_1 + 0.05$ $spec \alpha_2 - 0.05$

این برای شروع میتوان در Static load case اگر در دو طرف سیستم یکی است (مثل پرورد بینی کلاسی) این روی ریزه بدون توجه به بعضی تصدیفی یا سلاقی تعریف می کنیم و بعد از Run و خواندن V_{max} و V_{min} بر می گردیم ضریب scale factor اصلاح کرده کل Static load را کلا پاک می کنیم. اگر هم R در دو جهت ترقق داشت در جهت E در Static load تعریف و بعد از مراحل گفته شده بالا آنرا پاک می کنیم D و L و H هم باید در Static load تعریف و بعد از مراحل گفته شده بالا آنرا پاک کنیم.

مثال اول: ساختمان در بلان منظم است، قاعده 30-100 نفر، معم:

Spec X1	Spec Y1
Damping 0.05	Damping 0.05
/CQC	/CQC
/SRSS	/SRSS
U1 2800 $\frac{AI}{R_x} \times g$ ضریب تبدیل بر چهار پایه امتداد $\times g$	U1 غیر فعال
U2 غیر فعال	U2 2800 $(\frac{AI}{R_y}) \times g$ ضریب تبدیل بر چهار پایه امتداد $\times g$
U3 غیر فعال	U3 غیر فعال

Excitation Angle: 0°	Excitation Angle: 0°
Eccentricity: 0.05	Eccentricity: 0.05
Spec X2: -0.05	Spec Y2: -0.05

ساختار در بلایان نامنتظم بوده و شامل قاعده 100-30 است

سوال 2

Spec X1

$U_1 \quad 2800 \quad \left(\frac{AI}{R_x}\right) * g * \text{ضریب تبدیل برای بارهای درامتهاد}$

$U_2 \quad 2800 \quad \left[\left(\frac{AI}{R_y}\right) * g * \text{ضریب تبدیل برای بارهای درامتهاد}\right] * 0.3$

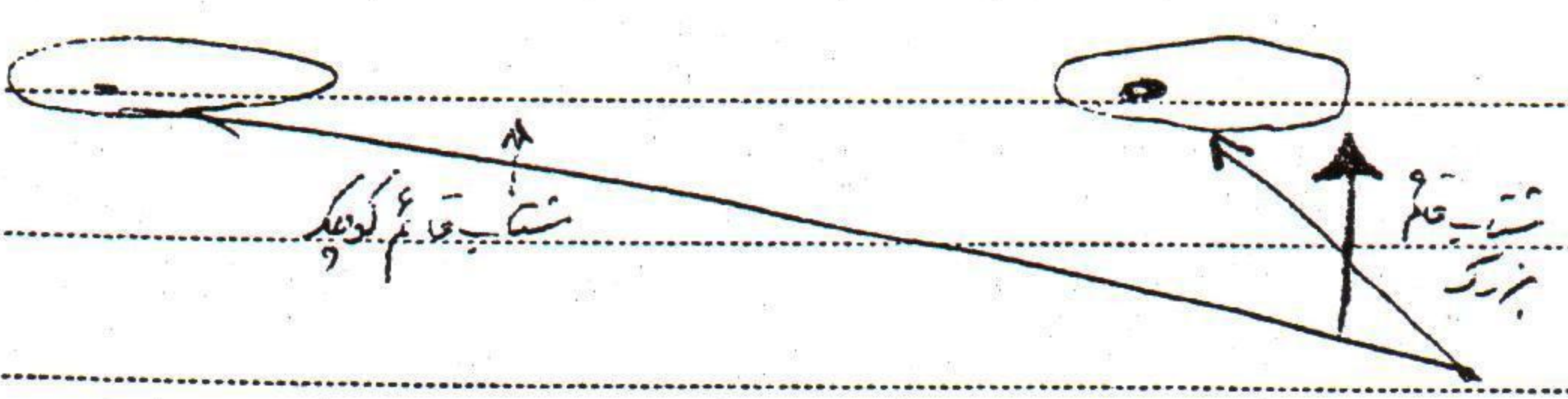
- U_z —
- Exc. Angl. $\rightarrow 0$
- Eccent % $\rightarrow 0.05$
- Spec X2 بقیه مثل فوق $\rightarrow -0.05$

Spec Y1

$U_1 \quad 2800 \quad \left[\left(\frac{AI}{R_x}\right) * g * \text{ضریب تبدیل برای بارهای درامتهاد}\right] * 0.3$

$U_2 \quad 2800 \quad \left(\frac{AI}{R_y}\right) * g * \text{ضریب تبدیل برای بارهای درامتهاد}$

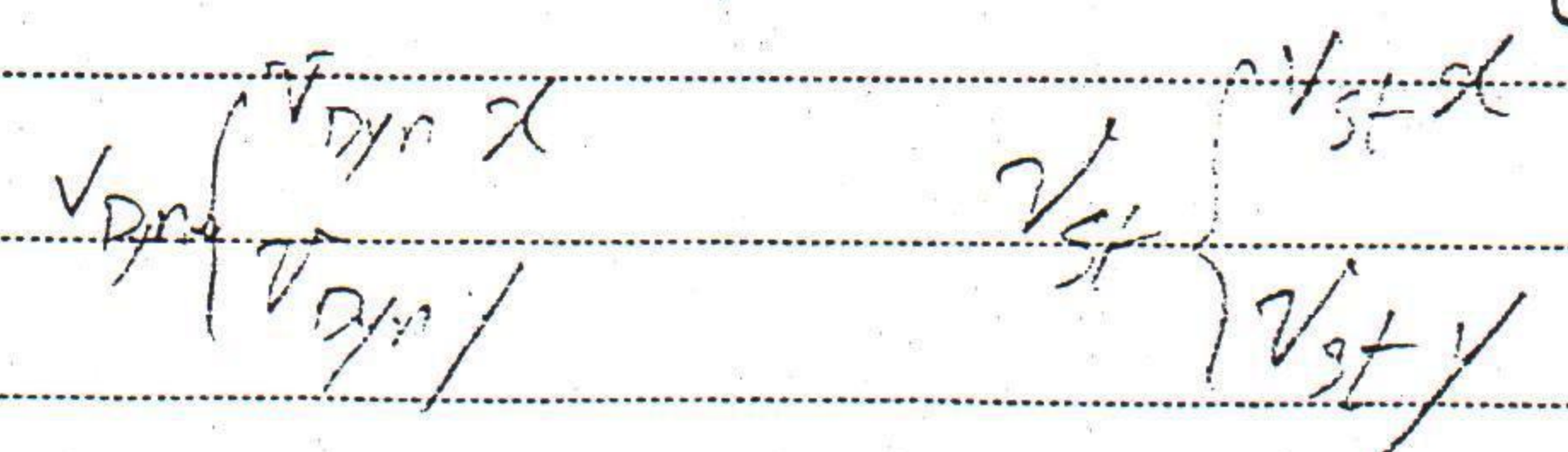
- U_z —
- Exc. Angl. \rightarrow صفر
- Ecc. % $\rightarrow 0.05$
- Spec Y2 بقیه مثل فوق $\rightarrow 0.05$



نکته: قضیه ستاب قائم مربوط به نواحی وجوده نزدیک به کس است و در نواحی دورتر ستاب قائم زلزله کس نمی شود

نکته: $\frac{AI}{R}$

* اگر ساختمان مشمول 100-30 شده بود در شکل اول نباید به 50-100 توجه کرد مثل سوال 1 عمل می کنیم پس در شکل ها کلاً در شکل اول $\text{Scale Factor: } \left(\frac{AI}{R}\right) g$ است و بعد از خواندن V_{st} و V_{dyn} اطلاعات را انجام می دهیم



Analysis → Dynamic Analysis

در این صحنه فقط تعداد مودها را بدید. OK. پس زیر این بیانید

توجه

Number of modes:

در این سمت لازمست برابر بر نامه مشخص کنیم این سازه را کس تا به کج محدود تحلیل شود. دستورالعمل آیین نامه:

مطابق با ضوابط آیین نامه لازمست تعداد مودها لازم جهت انجام یک تحلیل دینامیکی حداقل برابرترین مقدار حاصل از سه عبارت زیر باشد:

1- مود اول از قائمی هر امتداد (6 عدد) حرفه ای تر ← از بیش 3 مود اول $T_1 > T_2 > T_3$ که دو تایی آن همان مود اصلی یا غالب امتدادهای X و Y است
سختی مود Z یعنی است
(6 تا انتقالی + 1 یعنی ← 7 مود)

2 مودهایی که زمان تناوب آنها حداقل 0.4 ثانیه باشد

3 آن تعداد مودهایی که جمع جرم مؤثر مودی آنها روی هم حداقل با اندازه 90 جرم کل ساختمان

* اول کار یک چیز محدودی مثلا 10 یا 15 Number of mode می دهیم تا بعد کامل تعیین کنیم چند مود دقیقاً داریم هر چند اگر بیشتر تعداد مود بیا دهیم خلاف نیست چون حداقل با رعایت کرده ایم و از دید آیین نامه بقیه مودها مودها هر چه هستند

Type of Analysis:

دو سوره یا دوروش مختلف برای تعیین فرکانس ارتعاشی مودها، جرم مؤثر مودها و پیر بود ارتعاشی مودها و شکل مودها

Ritz vector یک روش خاص است که در آیین نامه نیامده و در محاسبات و پانچ نامها با آن کار می شود پس ما همت به روش Eigen vectors کار می کنیم ✓

در حالت کلی با فرض اینکه در هر طبقه سه دیوار داریم بر وجود دارد پس تعداد مودها را در شروع کار سه برابر تعداد طبقات علاوه یک می دهیم مگر آن که طبقه باشد چنانچه تحلیل دینامیکی انجام می دهیم

Eigen Value Parameters

زگاس . تعداد ارتعاشاتی که در یک آنجا می شود

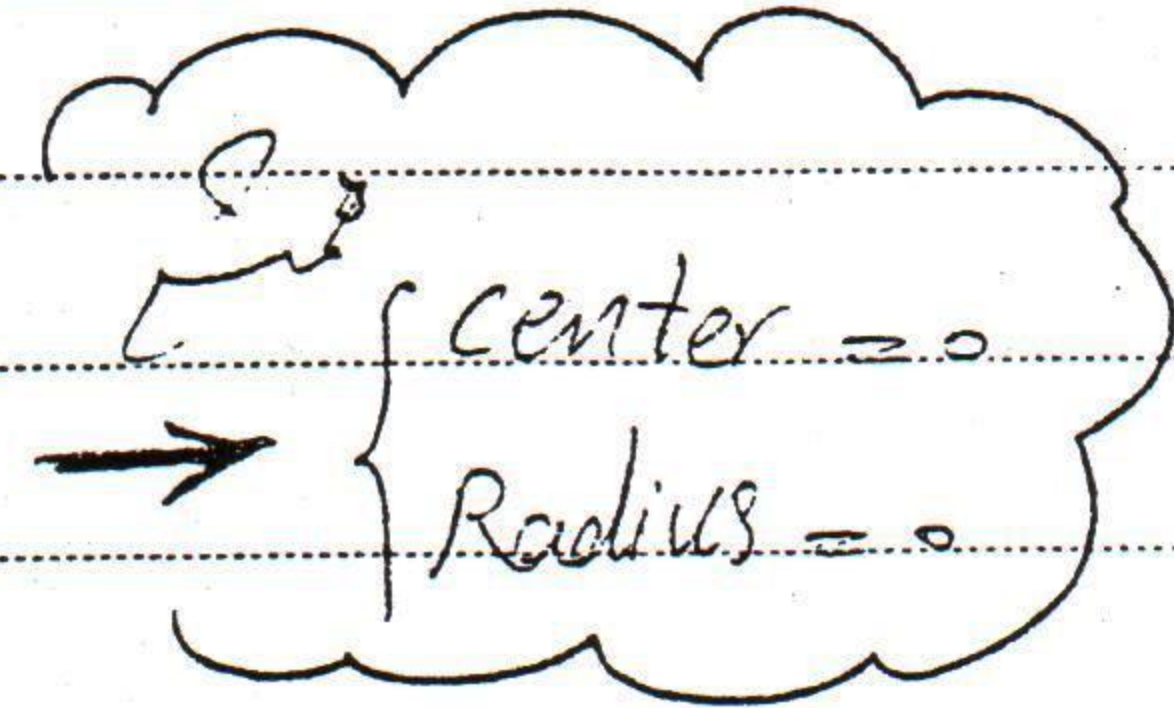
$$T_i > 0.4 \rightarrow f_i < 2.5 \text{ (H.Z)}$$

$$f = \frac{1}{2} < \frac{1}{4}$$

تعداد امورها $\rightarrow 15$

(center) $f_0 = 0$

(Radius) $f_{max} = 2.5$



$$|f_i - f_0| < f_{max} \rightarrow |f_i| < 2.5 \text{ Hz}$$

اگر زگاس معینی در رابطه با لاصق بکنند خود کار توسط خود

برنامه حذف خواهد شد

این بند این نامها Support نمیکنند و تحت اعداد Center و Radius اگر ضربه باشند مثل نویزها یا لرزه ها یا ... کار نمیکنند. اگر با این بند همکار است حودهای حذف شوند که در آینده لازم باشند

Relative tolerance :

مثال بحث PD که دیت $1E-3$ را می دادیم که ^{تحت} خطی و خطی را تعیین می کند و عايش فرض بر اینست که $1E-07$ قبول می کنیم.

Residual Mass

نظریه بار کارها که صحتی است و فقط زمانی می تواند که بارش با زلزله خرابی کار کنیم

فرض اولی 15 mod
مغلاها را کمتر 10 mod

برنامه محدود اولی خارج شود

11 و 12 و 13 14 و 15

همچ صدق است نه در ندارد \rightarrow به یک عدد باز می رسم \rightarrow یک عدد جدید تو خط براند \rightarrow رازفته ارقام می کند \rightarrow تولید می شود

Year. Month. Date. ()

$$\frac{AI}{R} g = \frac{0.35 \times 1}{7} \times 9.81 = 0.49$$

C ضرب استاتیکی

$$H = 22.8^m$$

$$T = 0.07 (22.8)^{0.75} = 0.73$$

در حساب استاتیکی تکرار ملاحظه کنیم حتی در استاتیکی ملاک تاق T و پایداری است

در چند T اصالی بالاتر 0.7 شد ملاک محاسبه C قرار دهد ولی ملاحظه کنیم

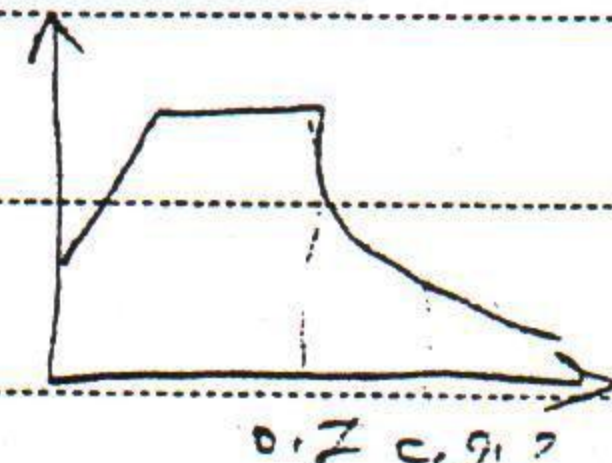
- A = 0.35
- I = 1
- R = 7
- Ts = 0.7
- T = 0.15
- S = 1.75

خاکریز 3
 با رانته هر لیزه نمبر خاکریز 3 و ضریبش بسیار زیاد

$$B = (1 + S) \left(\frac{T_s}{T} \right)^{2/3}$$

$$B = (1 + 1.75) \left(\frac{0.7}{0.913} \right)^{2/3} = 2.67$$

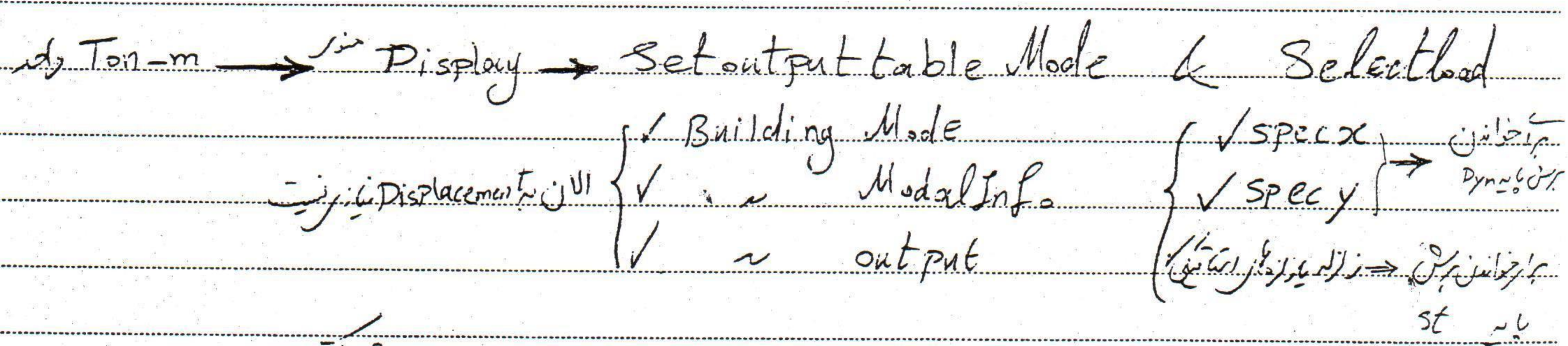
$$C = \frac{0.35 (2.67) (1.0)}{7} = 0.134$$



پیدا کردن تحلیل فاز صفر:

1 تعیین تعداد مودها از جهت تحلیل سازه مورد نظر ← (modal participating Mass Ratio)

2 تعیین ضرب تبدیل بردهای پایه جهت نرمالیزه کردن حرکتها ← (Story Shears)

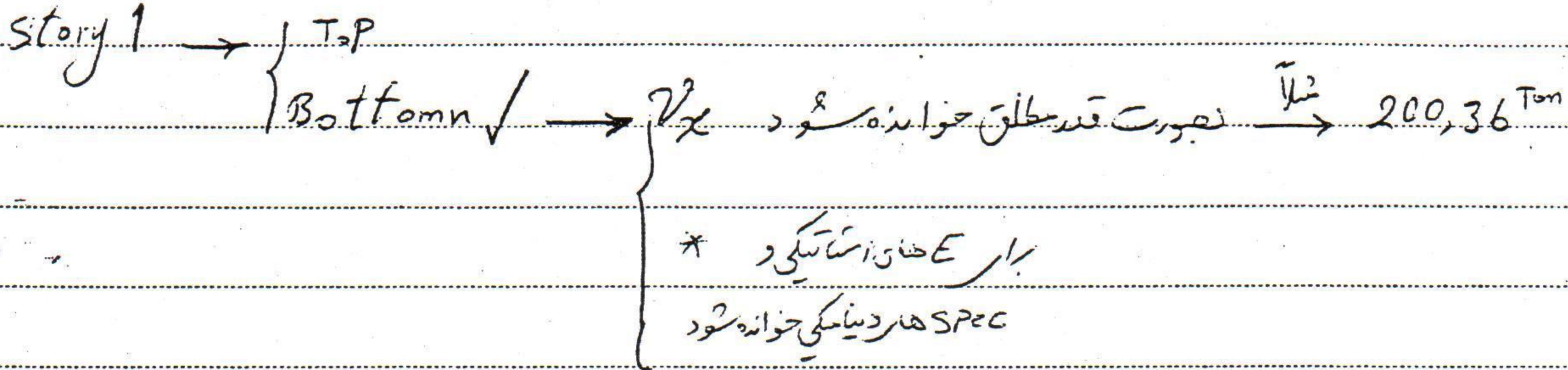


Modal participating Mass Ratio

- 1) شش عدد انتخابی + 1 یعنی 7 عدد
 - 2) حداقل مودهای 4.0 که T ← 7 عدد
 - 3) مودهایی که جمع جرم مؤثر آنها حداقل زود جرم کل سازه باشند در استاندارد 7
 - در استاندارد 9
- تعداد مودهای که در خواستار استون اول
 مودهای 1 استون دوم
 در مجموع جرم مؤثرها با Umax استون سوم و چهارم
 در مجموع جرم مؤثرها با sum Umax استون ششم و هفتم
 در مجموع جرم مؤثرها با sum Umax استون ششم و هفتم

* یکی دو تا بالاتر به دو دلیل ۱- اینکه طبق آیین نامه سیزدهم شکل ۱۰-۱۰-۱ اگر در سطحی و ظاهر موزنرها بالا باشد یکی دو موزنرها را در دو طبقه بالاتر به دو دلیل

story shears



برای دینامیکی $V_{st} = 200.36 \text{ T}$
برای استاتیکی $(V_{dyn})_x = 67.44 \text{ T}$
در محاسبه $(V_{dyn})_y = 81.41 \text{ T}$

مقایسه سیستم \rightarrow ضریب تبدیل = $0.9 \left(\frac{V_{st}}{V_{dyn}} \right) \geq 1$

ضریب تبدیل استاندارد x = $0.9 \left(\frac{200.36}{67.44} \right) = 2.67$
ضریب تبدیل استاندارد y = $0.9 \left(\frac{200.36}{81.41} \right) = 2.215$

ضریب مقیاس گذاری $\left. \begin{array}{l} 2.67 \times 0.49 = 1.3 \\ 2.215 \times 0.49 = 1.08 \end{array} \right\}$

این ضرایب خوب نیست و اعداد نرم اجزای است
و شکل بحث ایجاد اولی بعد انتخاب ماده توسط کاربر است

مادر دست داشتن نتایج حاصل از موارد فوق قفل برنامه را گسترده

۱- زلزله یا زلزله های استاتیکی را که در صورت static load case تعریف کردیم حذف می کنیم

۲- به قیمت تعریف تحریکها (Spec) های رویم و برای آن ضرایب تبدیل و همچنین ضرایب مقیاس گذاری که می کردیم
آنرا از نرم افزار حذف می کنیم

۳- به منظور Analysis قیمت معرفی نرم افزار تحلیل دینامیکی می رویم و تعداد مدلها را مطابق آنچه در دست آورده ایم حذف می کنیم

نکته مهم: وقتی در تحلیل دینامیکی طراحی را آغاز می‌کنیم به هیچ عنوان نباید در سمت *static load* زلزله را وجود داشته باشد چرا که در این صورت برنامبرمان بر اهمیت تحت تحریرهای دینامیکی هم تحت زلزله‌های استاتیکی تحلیل می‌کنند و زمانه ترکیبهای بارکننده را بطور خودکار فعال می‌کنند لکن هر دو زلزله وارد کار می‌شود زمان طراحی اعضا از زلزله استاتیکی بیشتر از زلزله‌های دینامیکی است و مفهوم آنست که در پویش طراحی اعضا زلزله استاتیکی غالب است و عملاً تحلیل دینامیکی ما جنبه صوری داشته و در طراحی اعضا مؤثر نخواهد بود.

نکته های طراحی:

① در تحلیل‌های استاتیکی برش پایه همواره مقدار ثابتی داشته و مستقل از نمره اعضایی باشد اما در تحلیل‌های دینامیکی، برش پایه دینامیکی به نسبت تابع وضعیت نمره اعضایی باشد، توضیح آنکه در یک تحلیل دینامیکی، نیروی نهایی ایجاد شده در هر طبقه ترکیبی آمارگی از نیروی پاسخ مودهای مختلف است؛ و از نیروی دیگر نیروی هر مود تابع خصوصیات و ویژگی‌های آن مود است (در شکل مود مورد نظر، بر لود آن مود و حجم مؤثر آن مود) در اثر این خصوصیات مودی از مقدار لای حاصل می‌شود که تابع ماتریس سختی است، نتیجه آنکه بسته به نمره اعضا خصوصیات مودی متفاوتی خواهیم داشت بنابراین اگر ابعاد اولیه ای که به اعضا اختصاص داده ایم دور از واقعیت باشد یعنی ابعاد اولیه نامناسب است، برش پایه دینامیکی در تحلیل فاز صفر مقدار نامناسب و غیر واقعی خواهد داشت پس ضریب تبدیل به همان نسبت دچار اشکال خواهد بود و این موجب می‌شود تحویلها به نحو صحیحی زمانه نشانه باشد.

← بهتر است بادی بی خوب نیست به گاهی قبلی ابعاد اولیه را محسوس برینم بانی دو نام تحلیل استاتیکی با $Rat = 12$ انجام دهیم و ابعاد که واقعی تر شدند دینامیکی را شروع کنیم

② زمانیکه سازه تحلیل دینامیکی شده است همانطور که گفتیم نیروهای ایجاد شده در طبقات و اعضا تابع ماتریس سختی سازه است زمانیکه طراحی سازه آغاز می‌شود در فرایند طراحی سازه و ابعاد طراحی مسکود سعی بر خطا هر مرحله نمره اعضا را تغییر می‌دهیم (بهینه ساز در هر مرحله) پس در هر کدام از کارهای رسمی و خطا با عرض شدن نمره اعضا ماتریس سختی متحول می‌شود و متناسب با آن برش پایه دینامیکی، ضریب تبدیل و در نهایت ضرایب مقیاس نهایی تغییر می‌کنند؛ اما نمی‌توان در اثرهای هر یک از تحریرها را زمانه کرد یعنی به محض این نخواهیم رسید تا بر این به صورت بر عمل می‌کنیم.

در ابتدا ای کار ابعاد اولیه باشد این در رعایت اصول نیست یعنی ارتفاعی به اعضا اختصاص می‌دهیم تا بر آنها برسد دینامیکی از هم شروع کلرد تحلیل فاز صفر متناسب و ایده آن باشند بر اساس این بر آنها باید تحریرها را زمانه می‌کنیم و طراحی سازه آغاز

می شود انجام فرایند طراحی و مراحل بهینه سازی را با همین تحریکها تا انتها و رسیدن به نمره های نهایی ادامه می دهیم یعنی تا جائیکه دیگر نیازی به بهینه سازی نباشد.

در این مرحله تیب بندی پلاستی را نیز مشخص می کنیم و محالا تقریباً به بند و ضریب خاصی رسیده ایم. با این شرایط از قسمت دوباره به نمره باید دنیا چکلی جدیدی که متناسب با ماتریس سفتی و سختی سازه است تعیین شود.

برای انجام این کار به قسمت تعریف تحریکها بازمی گردیم، ضرایب مقیاس را به همان $(\frac{AI}{R})$ اول کار بازمی گردانیم و با این شرایط بر نمره های باید دنیا چکلی جدید را بدست می آوریم و در این باره است با این است که ضرایب تبدیل جدید را نیز

می سب می کنیم و در نهایت ضرایب مقیاس نهایی را می سب کرده تحریکها را نیز همانزده می کنیم و دستور تحلیل و طراحی می دهیم. کنترل می کنند اعضا جوارنگوی نمره های ایجاد شده باشند.

اگر در این شرایط محضوی ظاهر غیر اقتصادی باشد ترصفا نمره آنرا تغییر نمی دهیم ولی اگر اعضای پیدا شوند که در شرایط جدید ضریبشان دهند نمره آنها را اصلاح می کنیم (سب صرفاً به اصلاح المانها و ضریب می پردازیم).

تحلیل سبب دینامیکی :

روش خاصی در تحلیل است که قبلاً در ویرایش اول این نامه برابر بعضی ساختمانها مورد استفاده قرار می گرفت و از ویرایش دوم به بعد از این نامه حذف گردید.

در این روش ابتدا نیروهای دینامیکی هر طبقه با روشهای مختلف دستی یا نرم افزارهای حساب می شود و سپس بصورت استاتیکی بر سازه اعمال می گردید. بنابراین تحلیل استاتیکی ساختمان تحت نیروهای دینامیکی را داشتیم که به تحلیل سبب دینامیکی معروف بود.

روش طرح شالوده :

زمانیکه ساختمان تحلیل طیفی میشود در طراحی شالوده آن مشکل خواهیم داشت زیرا ETABS فقط اثرات حاصل از نیروهای استاتیکی را به SAFE ارسال می کند. بنابراین عکس العملهای حاصل از زلزله های دینامیکی به SAFE منتقل نخواهند شد.

اشکال دیگری نیز وجود دارد بدین صورت که نیروهای حاصل از یک تحلیل طیفی چون زمان ترکیب اثر مودها از زیر بار یکبار خارج می شوند همواره منتقل نمی گردند. اینک کدام قسمتهای شالوده تحت نیروهای گسشی ساده قرار می گیرند و اینکه وضعیت UP و DOWN شالوده به چه صورت است تا بتوانیم به هم پیوند بماند.

بنابراین لازم است جهت طرح شالوده از راهکارهای خاصی استفاده کنیم. برابر انجام این کار میتوانیم دو روش زیر را پیشنهاد کرد.

1) استفاده از روش تحلیل سبب دینامیکی : که در این حالت نیروهای دینامیکی ایجاد شده در هر طبقه را از زیر نامه در بار می کنیم سپس این نیروها را در فایل Copy بصورت استاتیکی از طریق کزنر User loads به سازه اعمال می کنیم و سازه را تحلیل می کنیم. عبارتی ساختمان تحت نیروهای دینامیکی فایل اصلی تحلیل سبب دینامیکی میشود. حال میتوان عکس العمل حاصل از این زلزله ها را به SAFE منتقل کرد.

2) استفاده از روش تحلیل استاتیکی : در این روش از فایل اصلی Copy تهیه کرده و در فایل Copy مثل سبب قبل در بار می کنیم. باید این استاتیکی را بر این طبقات توزیع می کنیم. دستور تحلیل داده و نتایج را جهت مراجع شالوده به SAFE ارسال می کنیم.

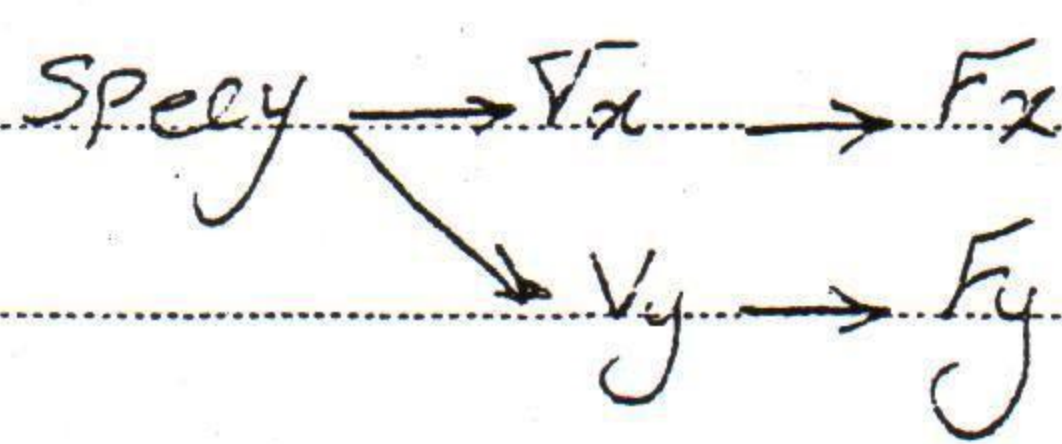
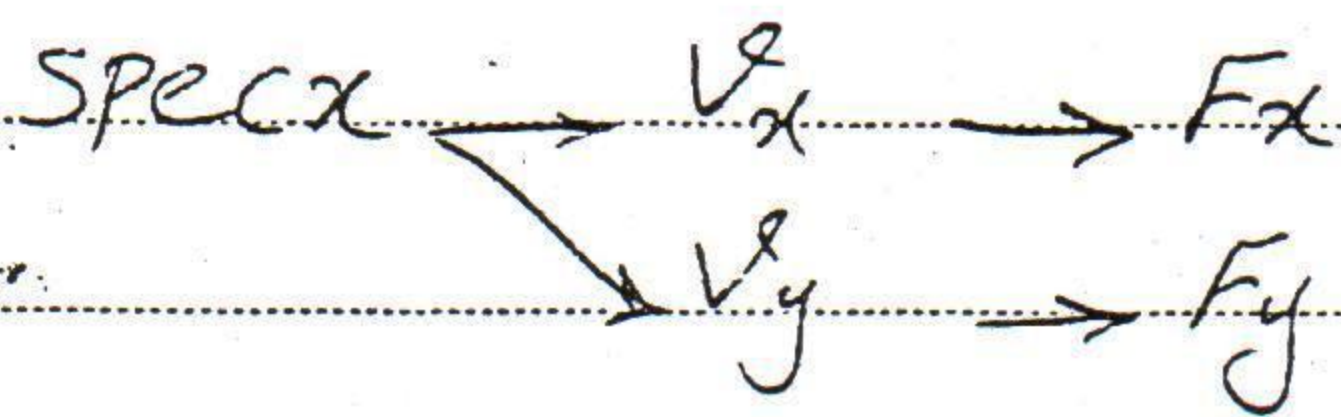
هر دو روش فوق با توجه به ماهیتشان خطاهایی دارند. استفاده از روش نخست یعنی تحلیل سبب دینامیکی نتایج گسترده تر از روش می کند. به همین دلیل ترجیح دارد از روش دوم استفاده کنیم.

user load user load + v این استاتیکی می زنیم و با قوی تر شدن غیر متساوی شدن سازه کار نداریم فقط نیروها را به SAFE می فرستیم.

برای تحلیل شبه دینامیکی: انتخاب Spec x.y ← Story Shears

✓ F_x دینامیکی هر طبقه بدست می آید → بلا هر طبقه را خوانده از طبقه فوقانی نمی کشیم →

نکته ۱: اگر قاعده ۱۰۰-۳۵ داشته باشیم تحت Spec x هم V_x ها هم V_y ها خوانده می شود و در صورت Spec y هم V_x خوانده می شود و در صورت Spec x هم V_y خوانده می شود.



✓ که نیروها ۳۰٪ به آنها اعمال می شود و دیگر برابر ثابت در User load نیاز به ضرب کردن در ۰.۳ نیست

منزل کلاسی	STF	Spec x V_x	F_x	} → User load	E _x { فقط F_x $F_y = 0$		
ست ۶		31.49	23.01			}	E _y { فقط F_y $F_x = 0$
ست ۵		54.5	15.95				

اگر ۳۰٪ به آنها اعمال می شود و دیگر برابر ثابت در User load نیاز به ضرب کردن در ۰.۳ نیست

* تذکر مهم: همانکه سازه تحلیل دینامیکی طیفی می شود در قسمت ترکیب برای بارگذار نیست Spec ها فقط علامت (+) دیده می شود پس این سوال مطرح می شود که اثر + و - بودن یک نیرو چگونه در طراحی دیده می شود؟
توضیح آنکه در تحلیل دینامیکی طیفی یک سازه برنامه بطور خودکار خود را با + و - می کند اگر دستور نمایش دیاگرام یک ترکیب داده شود می توان این موضوع را عیناً مشاهده کرد.

Spec با دار محیط Load Comb شود و دو تا Combo بندهار Test 1 و Test 2 می سازیم یکبار E انتخابی برابر Test 1 می دهیم

یکبار Spec دلخواه را در Combo بندهار Test 2 می دهیم حل اگر در خواست دیاگرام کنیم برابر رسم می شود دو برابر

Spec بصورت بصورت پوس و متعارف آن توسط خود نرم افزار ETABS مشخص و مورد استفاده قرار می گیرد

Subject:

Year. Month. Date. ()

روش کنترل قاعده 25 / در قاپهای مختلف :

از فایل اصلی یک کپی تهیه می کنیم در فایل کپی باد نبها یا دیوارهای برنجی حذف می کنند (اگر از Select کرده Detete می کنیم) و سپس بسته به استاتیکی یا دینامیکی بودن تحلیل عملیات زیر انجام خواهد شد:

تحلیل سازه استاتیکی انجام شده است. در این حالت به سمت Static load می رویم اگر زلزله استاتیکی ما User load بوده است C گذر شده را در عدد 0.25 ضرب می کنیم و نتیجه بعد از آن C این فایل خواهد بود.

از سوی دیگر اگر زلزله User load تعریف شده است نیروی تک تک طبقات را

در عدد 0.25 ضرب می کنیم که نتایج نیروهای دیگر حاصل خواهند شد. بنابراین عملاً

سطح نیروهای زلزله طراحی به 0.25 سطح نیروی فایل اول تحلیل یافته است.

با شرایط جدید دستور تحلیل و طراحی می دهیم

آنگاه از اعضایی را که جواب می دهند ولو آنکه غیر اقتصادی باشند به شرح حال

(سبکتری کنیم) → زگانی داریم و صرفاً اعضایی را که جواب ندهد اند (ضعیف بوده اند) اصلاح می کنیم

* فایل اصلی ← تحت کل نیروی طرح و در ضمن طبقه اعضا محققند ← طراحی تا انتها ادامه می یابد

* فایل دوم ← سطح نیروی طراحی به 25٪ سطح نیروی اول تحلیل یافته اند ← باد نبها یا دیوارها حذف شده اند

← طراحی تا انتها ادامه می یابد ← اعضایی را که به ظاهر غیر اقتصادی شده اند سبکتری کنیم چون در فایل اصلی به این مقطع نیاز داشته ایم

* فایل سوم ← ترکیب فایل اول و دوم I از فایل دوم یک کپی تهیه می شود و بارها و باد نبها را اضافه می کنیم

* * II یا بهتر است از فایل اول یک کپی دیگر تهیه شود اصلاحاتی که در فایل دوم انجام شده بود در این فایل اضافه

می کنیم بعد Drift ها را چک می کنیم که کلر سختی است ولی قویترین کاربرد است چون تمام اصلاحات بر لیریل SAFE انجام

III یا در فایل 1 Drift ها را می بینیم و بعد در فایل دوم اگر اصلاحی لازم است انجام می دهیم و نتیجه

کار را بی خیال می شویم.

یک اسکال در کارهای تکی باید از تک تک قبلی بر نیت داشته باشیم چون ابعاد لوله ها ثابت است و عملاً دستها منطبق است در فایل 2

یا در فایل 3 سبکتر شود پس عملاً در برابر فایل 2 و فایل 3 مقابله می کنیم و عملاً اگر بنا بر طراحی دهیم

بعضی از تیرها در بعضی طبقات در فایل 1 بحرانی می شوند برخی در فایل 2

در فولاد این مشکل بوجود نمی آید

Subject:

Year. Month. Date. ()

2 تحلیل سازه دنیا مکی انجام شده است

در این حالت نیز از فایل اصلی یک کپی تهیه می کنیم و در فایل کپی بادبندها یا دیوارها را حذف می کنیم اما اینبار نمی توانیم سازه را در فایل دوم تحلیل دنیا مکی کنیم چرا که ماتریس سختی این سازه نسبت به سازه فایل اول بی نهایت عوض شده است و لذا رفتار مودها و فرکانس آنها به هیچ عنوان اینکالیبر از وضعیت سازه اصلی نخواهد بود.

پس ناگزیر برای لزوم استفاده کنیم، بدین صورت که در فایل دوم سازه را تحت 25 نیروهای فایل اول که دنیا مکی بودند تحلیل استاتیکی می کنیم. در تحلیل شبه دنیا مکی سازه فایل دوم بدون دیوار یا بادبند تحت 25 دین نیروهای دنیا مکی سازه اصلی در فایل اول.